

● داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران

(گفتارهایی در نقد ادبی)

● نویسنده: حورا یآوری

● ناشر: سخن، ۱۳۸۸

● ۴۷۲ ص. ۹۵۰۰ تومان

داستان نقد در ایران ما روایت پیچیده‌ای دارد. در این سرزمین، نقادان هیچ‌گاه عیان سخن نگفته‌اند و در هر دوره نقدهایشان را از پشت حجابی بیان کرده‌اند، تا هر آنکه گوش شنوایی داشت نکته‌ها را دریابد و بدان عمل کند؛ این نقدها گاه پشت پرده شرم و حیای مردمان پنهان شده و گاه در شوخی‌های رندانه شاعرانه و تکه کلام‌ها و خرده‌گیری‌های حکایت‌پردازان نمود یافته است. اما ذهن ایرانی بیش از آنکه گوش شنوایی داشته باشد زبان تیزی داشته است و بیش از آنکه سعی کند نگاه نقادانه‌اش را به همه جنبه‌های زندگیش تسری دهد نگاه خود را تنها در حیطه اخلاق و مذهب محصور داشته است.

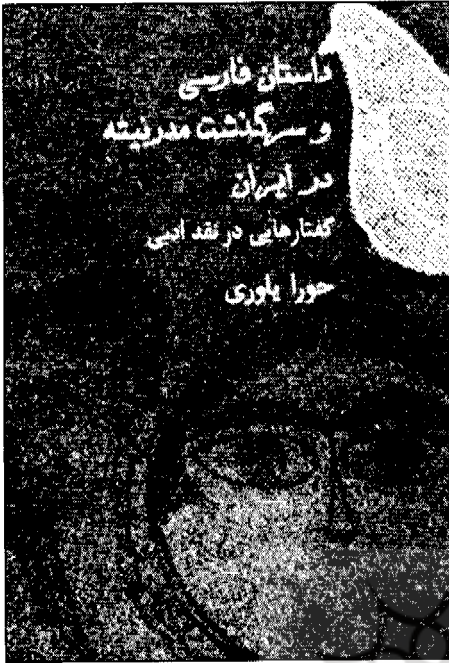
می‌توان گفت نخستین گام‌ها در ایران برای فراتر رفتن از سنت‌های کهن و آغاز شیوه‌های نو در بیان و نقد از طریق آشنایی با آثار نویسندگان و شاعران غربی صورت گرفته است؛ همچنانکه ایرج پاریسی نژاد نیز در کتاب خود اشاره می‌کند: «نقد ادبی، در مفهوم علمی و اروپایی آن، گونه تازه‌ای در ادبیات جدید ایرانی است و اثری از آن در ادبیات قدیم ایران در دست نیست. آنچه در میراث گذشته ادبی ایران می‌توان یافت ایرادهایی در ساخت و صورت شعری یا نکته‌گیری‌هایی توأم با شوخی و ظرافت است

و کمتر نشانی از تحلیل موضوع و داوری در ارزش ذاتی ادبی آثار دیده می‌شود.^۱ نخستین بار، میرزا فتح‌علی آخوندزاده با نوشتن مقاله «قرتیکه»،^۲ در انتقاد از قصیدهٔ سروش اصفهانی، بنیان نقد ادبی جدید ایران را گذاشت و در مقاله‌ها و نامه‌ها و آثار پراکنده‌اش مبانی نظری خود را بیان کرد. در ادامه، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، زین‌العابدین مراغه‌ای و... نیز بدین روند پیوستند و هر کدام نوشته‌هایی مهم و مؤثر در این زمینه بر جای گذاشتند. بعدها، این جریان با تحلیل‌های انتقادی، هر چند تندروانه، احمد کسروی و صادق هدایت همچنان ادامه یافت. اما در دوران معاصر، جدای از تلاش‌های عبدالحسین زرین‌کوب و ایرج پارسى نژاد در معرفی تاریخچهٔ نقد ادبی و نوشته‌های نقادانه شفيعی کدکنی و ضياء موحد و مقالات و ترجمه‌های پراکنده در مطبوعات و کتب با اثر جدی در این زمینه مواجه نبوده‌ایم. متأسفانه باید گفت، علی‌رغم پیشرفت نگاه نقادانه غرب و به وجود آمدن شیوه‌های نوین و خلاق در این زمینه، ما همچنان در اول راه مانده‌ایم و حتی جا پای آغازگرانمان نیز ننهادیم.

نقد ادبی در ایران، چنانکه باید، شناخته شده نیست و بارقه‌های گاه به گاه نوشته‌ها و ترجمه‌ها در این زمینه نتوانسته است آسمان این عرصه را بر اهالی ادب روشن سازد. لزوم دارا بودن نگاهی عمیق و تیزبین، دانشی چند وجهی، ذهنی تحلیلی و زبانی نقاد و ویژگی‌هایی است که پا گذاشتن به عرصهٔ نقد و نظر را کمی دشوار و بسیاری را در اول راه در مانده می‌سازد. در چنین وضعیتی است که باید حضور اندک آنانی که به نقد و بررسی آثار ادبی می‌پردازند، تافضای رخنه‌ناک و بی‌بیهوشی نقد ادبی را کمی به حرکت وادارند، قدر دانست. حورا یاوری از زمرهٔ چنین کسان است که همواره در کتبخ دغدغهٔ نقد دارد و به شیوهٔ خود، که آن را «نقد ادبی روانشناختی» می‌نامد، به نقد و بررسی آثار ادبی می‌پردازد. او که در رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی و روانشناسی اجتماعی تحصیل کرده - چنانکه خود می‌گوید^۲ - در امریکا و پس از شرکت در جلسات انجمن مطالعات خاورمیانه به سرپرستی احسان یارشاطر راه آینده خود را می‌یابد و نقد ادبی روانشناختی را به جد پی می‌گیرد. کتاب‌های روانکاوی و ادبیات، زندگی در آیین و مقالات و گنجه و گوئی متعدد او در باب نقد ادبی گویای تلاش او در این زمینه است. به تازگی نیز کتاب جدید او در زمینه نقد با عنوان داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران از سوی انتشارات سخن در دسترس دوستداران ادب قرار گرفته است.

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. روشنگران ایرانی و نقد ادبی، ایرج پارسى نژاد، سخن، ۱۳۸۰، صص ۳۲۳-۳۶۲.

۲. یاوری، حورا، داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته، سخن، ۱۳۸۸، صص ۳۳۰-۳۳۴.



● دکتر حورا یآوری

این کتاب به دو بخش کلی مقالات و گفت‌وگوهای او در مطبوعات داخل و خارج در چند سال اخیر تقسیم می‌شود. در بخش اول بعد از مقاله‌ای در باب ارزش داستان و سرگذشت و دستاورد آن در ایران با نقد نمایشنامه‌های صادق هدایت به‌ویژه پروین دختر ساسان و اثر مانای او بوف کور، روزها در راه شاهرخ مسکوب - که در حقیقت مجموعه یادداشت‌های روزانه اوست - طوبا و معنای شب شهرنوش پارسی‌پور و اهل غرق منیرو روانی‌پور روبرو می‌شویم. یآوری سعی کرده است با شیوه نقد روانشناختی خود لایه‌های تودرتوی آثار این نویسندگان را بشکافد و آنها را از منظر روانشناسی بررسی کند. البته می‌توان گفت یآوری بیشتر از آنکه به نقد این آثار بپردازد آنها را تنها تحلیل می‌کند و ویژگی‌های برجسته این آثار را برمی‌شمارد و بر انگیزه‌های قوی مؤلفینش تأکید می‌ورزد و کمتر ضعف و کاستی‌های این آثار را مورد توجه قرار می‌دهد.

در بخش دوم کتاب نیز شاهد گفت‌وگوهای بسیار جالب و خواندنی هستیم که در فاصله سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۶ صورت گرفته است و حورا یآوری در آنها در باب کتاب‌هایش، نقد ادبی روانشناختی، ماجرای اسطوره‌ها در ادب ایران، وضعیت ادبیات - داستان‌های ایرانی، ادبیات مهاجرت، ادبیات جنگ، آثار زنان معاصر - و جایگاه آنها در مقایسه با ادبیات جهان سخن گفته است و به بررسی عناصر موجود در داستان همچون

زمان، زبان، نقش نویسنده و مخاطب در آفرینش و فهم اثر پرداخته است. همچنانکه یآوری نیز در مقدمه کتاب اشاره می‌کند «داستان‌ها آدم‌ها و فرهنگ‌ها را تعریف می‌کنند و با تعریف تازه‌ای که از انسان و فرهنگ به دست می‌دهند، و با تفسیرهایی که بر زندگی آدم‌ها و ساختارهای فرهنگی می‌نویسند، آدم‌ها و فرهنگ‌ها را نو می‌کنند.»^۱ علاوه بر این، «داستان از کارآمدترین مکانیزم‌های دفاعی فرهنگ‌هاست»^۲ و یآوری تلاش می‌کند در این کتاب به بررسی کارکرد این مکانیزم دفاعی و تجزیه و تحلیل تعریف نویسندگان معاصر از جهان اطراف و موضوعات مربوط به آن پردازد و نوع نگاهشان به موضوعات مطروحه در آثارشان را واکاوی کند.

حقیقت آن است که ما تا زمانی که نتوانیم گذشته ادبی‌مان را به خوبی بشناسیم و نثر معاصرمان را نقد و بررسی کنیم هرگز نخواهیم توانست گام‌های رو به جلوتری در این زمینه برداریم و شاهد بروز خلاقیت‌های جدید و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های نو در عرصه فرهنگ و ادبیات میهنمان باشیم. آهنی که زیر ضربه‌های پتک محکم نگردد ستون سستی برای بناهای رفیع خواهد بود. باشد که خوانش این کتاب تلنگر دوباره‌ای شود برای تقلایی در دیگرگونه دیدن و دیگرگونه خواندن.

